



**ج: تحلیل ماده (۶۳۰) قانون مجازات**

**اسلامی:**

وفق مفاد ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، شرط جواز قتل یا ایراد ضرب و جرح از جانب شوهر، مشاهده صحنه وقوعه همسر با مرد اجنبی می باشد؛ به عبارتی دیگر، مرد باید به عینه مشاهده نماید که مرد اجنبی، در حال عمل دخول می باشد و لذا مطابق ماده مزبور، شوهر باید صحنه وقوعه را کالمیل فیالمکمله مشاهده نماید و تنها در این صورت است که مجاز به ارتکاب قتل یا ضرب و جرح همسر خویش و مرد اجنبی می باشد و از این جهت، با توجه به ماده مورد بحث، مشاهده صور دیگری از روابط نامشروع، همچون تقبیل و مضاجعه و یا قرار گرفتن در یک فراش بدون ارتکاب زنا و یا تفخیز و... نمی تواند مجوز ارتکاب قتل یا ضرب و جرح باشد؛ چرا که ماده مذکور تنها

رابطه نامشروع زنا را در برگرفته و سایر روابط نامشروع را شامل نمی گردد و با توجه به این امر، در صورتی که به عنوان مثال، مردی همسر خویش را تنها در آغوش مردی بیگانه بیابد، بدون این که در حال زنا باشند و مبادرت به قتل یا ضرب و جرح آنان نماید، عمل وی جرم تلقی شده و قابل تعقیب و مجازات است. نکته دیگری که در رابطه با ماده مورد بحث قابل ذکر است، این است که تنها مشاهده همسر در حال زناست که جواز قتل و ضرب و جرح تلقی می گردد و مشاهده سایر افراد وابسته به مرد در حال زنا، نمی تواند مجوز قتل یا ضرب و جرح باشد و لذا، در صورتی که مردی مادر، خواهر و یا دختر خود را در حال زنا با مردی اجنبی مشاهده نماید، به هیچ روی حق ارتکاب قتل یا ضرب و جرح آنان را نخواهد داشت، مگر این که مرد اجنبی به عنف و اکراه در صدد هتک ناموس وی برآمده باشد که

در این صورت، می تواند متجاوز را با رعایت الاسهل فالاسهل دفع نماید که از این لحاظ عمل وی از باب دفاع مشروع تلقی خواهد شد و در صورتی که دفع متجاوز منوط به ارتکاب قتل یا ضرب و جرح باشد، در صورت ارتکاب عمل وی منطبق با بند "الف" ماده (۶۲۹) قانون مجازات اسلامی بوده و مشمول ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی نخواهد بود. در همین رابطه لازم به ذکر است که در قانون مجازات عمومی سابق، قانونگذار در قسمت اخیر ماده (۷۹) این قانون، در رابطه با مشاهده زناى خواهر و دختر با مرد اجنبی مقرر داشته بود:

«... هر گاه (مرد) به طریق مزبور، دختر یا خواهر را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود، از یک تا شش ماه حبس جنحه ای محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر

این که مرد و زن از حالت نزدیکی خارج شوند، مرد حق ندارد از این حق استفاده کند<sup>(۱)</sup>؛ در حالی که، به نظرمی رسد چنین تفسیری از ماده (۶۳۰) نمی تواند چندان صحیح و منطقی باشد چرا که باید به این قسمت از ماده مورد بحث به دیده اغماض نگریست و با

این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود، به حبس جنحه ای از یازده روز تا دو ماه محکوم می شود».

ولی یک چنین حکمی را قانونگذار در ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی بیان نکرده و لذا مرد در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح به دلیل مشاهده زنا یا دختر، خواهر یا مادر خود با مرد اجنبی مستوجب تعقیب و مجازات خواهد بود. قسمت اخیر ماده (۱۷۹) قانون مجازات عمومی نیز در رابطه با مسئله مزبور در حال حاضر به واسطه نسخ صریح قانون مجازات عمومی، وسیله ماده (۷۲۹) قانون مجازات اسلامی که طی اصلاحات اخیر صورت گرفته، قابلیت استناد نداشته و لذا مرتکب یک چنین جرمی قابل تعقیب و مجازات خواهد بود؛ هر چند که ممکن است در بدو امر چنین به نظر رسد که در هر حال می توان با استناد به بند ۳ ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مجازات مرتکب را به واسطه ارتکاب جرم در اوضاع و احوال شرایط خاص تخفیف داد ولی باید توجه داشت که ماده مذکور، محدود به مجازاتهای تعزیری و بازدارنده بوده و شامل جرایم مستوجب قصاص و دیه نمی گردد تا بتوان با استناد به آن، مجازات مرتکب را تخفیف داده و از بار آن بکاهیم.

مسئله دیگری که در این ماده جلب توجه می کند، این است که وفق این ماده، مرد باید همسر خود و مرد اجنبی را در همان حال زنا به قتل برساند و به عبارتی دیگر، تا وقتی که عمل موافقه همچنان ادامه دارد، مرد حق کشتن آنان را خواهد داشت و به صرف خروج از حالت نزدیکی، چنین جوازی فسخ و ارتکاب قتل و ضرب و جرح جرم تلقی می گردد که این امر در هر حال ایجاد مشکل می نماید. مع الوصف، پاره ای از حقوقدانان بر این عقیده اند که پس از

**مشاهده زن در یک فیلم ویدئویی یا عکس یا اسلاید و ... در مال زنا نمی تواند مجوز قتل و ضرب و جرح باشد و جواز قتل و ضرب و جرح تنها به زمانی اختصاص دارد که مرد بعینه و به صورت فیزیکی عمل زنا را از جانب همسر فویش با مرد اجنبی مشاهده نماید و تنها در این حالت است که ارتکاب قتل از جانب وی مباح تلقی شده و جرم محسوب نمی گردد**

نکته قابل ذکر دیگر در رابطه با ماده (۶۳۰) این است که مراد قانونگذار از مرد و همسر وی در این ماده، هر زن و مردی است که در علقه زوجیت و عقد نکاح یکدیگر باشند، اعم از این که نکاح مزبور دایم بوده یا منقطع و یا زن مدخوله بوده یا غیر مدخوله؛ چرا که رجوع به مأخذ اصلی ماده مورد بحث که می توان آن را صراحتاً مقتبس از مسئله ۲۸ کتاب تحریر الوسیله امام (ره) دانست، مؤید این نظر است.

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید:

«لو وجد مع زوجته رجلاً یزنی بها و علم بمطاعتها فله قتلها، و لا اثم علیه و لا قود من غیر بین کونهما محصنین او لا و کون الزوجة دائمة او منقطعه و لا بین کونها مدخولاً بها او لا»<sup>(۲)</sup>

یعنی: «هر گاه مردی بیابد همسر خود را با مردی که با او زنا می کند و علم به تمکین و مطاوعه زن داشته باشد می تواند آنها را به قتل برساند و از این جهت گناه و قصاصی بر او

تفسیر به نفع متهم معتقد بود که نظر قانونگذار در این رابطه این بوده که مرد تنها زمانی حق ارتکاب قتل یا ضرب و جرح را دارد که پس از مشاهده صحنه موافقه در همان زمان و همان مکان مبادرت به قتل یا ضرب و جرح مرد اجنبی و همسر خویش نماید و لذا با توجه به این معنا، مشاهده زن در یک فیلم ویدئویی یا عکس یا اسلاید و ... در حال زنا نمی تواند مجوز قتل و ضرب و جرح باشد و جواز قتل و ضرب و جرح تنها به زمانی اختصاص دارد که مرد بعینه و به صورت فیزیکی عمل زنا را از جانب همسر خویش با مرد اجنبی مشاهده نماید و تنها در این حالت است که ارتکاب قتل از جانب وی مباح تلقی شده و جرم محسوب نمی گردد؛ و با توجه به این امر، صرف قطع شدن حالت موافقه نمی تواند باعث فسخ جواز قتل و ضرب و جرح گردد زیرا مشاهده زنا از جانب شوهر فی المجلس و بدون فاصله بوده و در هر حال کشتن در حال زنا بر چنین مواردی نیز بدون شک صادق است. ولی در مواردی که فردی

نیست، فرقی هم نمی‌کند که مرد محسن باشد یا غیر محسن و زوجه دائم باشد یا منقطه و یا مدخوله باشد و یا غیر مدخوله». در هر حال باید توجه داشت که رابطه زوجیت، نامزدی را در بر نمی‌گیرد، و لذا مردی که زنی را به عنوان نامزد خویش برگزیده و هنوز ما بین آنها علقه زوجیت و نکاح برقرار نگردیده، در صورت مشاهده زنا نامزد

دستاویزی برای این افراد جهت انتقام و تخلیه عقده‌های شخصی قرار گرفته تا به بهانه‌های واهی از طریق همسر خویش، مبادرت به قتل یا ضرب و جرح افرادی نمایند که با آنها خصومت و دشمنی شخصی و قبلی داشته‌اند. آخرین نکته‌ای که در رابطه با ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد، این است که همان طور که قبلاً نیز عنوان گردید،

خواهد بود و لذا معاون نیز به تبع مباشر مسئولیتی به عهده نخواهد داشت.

اما حکم شرکت در قتل یا ضرب و جرح همسر و مرد اجنبی با حکم معاونت مذکور در فوق متفاوت است؛ زیرا از آنجا که قانونگذار جواز قتل و ضرب و جرح را تنها به شوهر اعطا کرده و نه به دیگران و به عبارتی، معافیت مندرج در ماده (۶۳۰) ق.ا.م، منحصرأ به شوهر اختصاص داشته، نه غیر و لذا در صورتی که شوهر با شرکت ثالثی مبادرت به قتل همسر و مرد اجنبی نماید تنها فعل شوهر است که مباح تلقی شده و جرم محسوب نمی‌گردد و شریک در قتل یا ضرب و جرح به عنوان مباشر مستقل، عملش جرم تلقی شده و قابل تعقیب و مجازات است؛ چرا که تنها فعل ارتكابی از جانب شوهر است که در دایره حمایت قانون قرار گرفته و نه افراد دیگر، مگر مشارکت با شوهر در موارد دفاع مشروع، در تجاوز به عنف و اکراه باشد که در این صورت فعل شریک نیز با توجه به شرایط لازمه برای دفاع مشروع جرم تلقی نشده و قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

#### د: انتقادات وارد بر ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی:

ایراد و انتقاد عمده‌ای که در رابطه با ماده (۶۳۰) ق.ا.م، قابل طرح و بررسی می‌باشد، انحصار مشاهده ارتکاب زنا توسط مرد برای جواز قتل مرد اجنبی می‌باشد.

از نظر فقهی، زنا عبارت است از:

«ایلاج البالغ العاقل فی فرج امرأة محرمة من غیر عقد و لا ملک و لا شبهه قدر الحشفه عالمأختاراً» (۴)

قانونگذار در ماده (۶۳) قانون مجازات اسلامی، زنا را این گونه تعریف نموده است:

«زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر

### رابطه زوجیت، نامزدی را در بر نمی‌گیرد. و لذا مردی که زنی را به عنوان نامزد خویش برگزیده و هنوز ما بین آنها علقه زوجیت و نکاح برقرار نگردیده، در صورت مشاهده زنا نامزد خویش با مردی دیگر مق کشتن آنها را نخواهد داشت و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، به مجازات مربوط به آن محکوم خواهد گردید؛ زیرا نامزدی و وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌نماید

خویش با مردی دیگر حق کشتن آنها را نخواهد داشت و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، به مجازات مربوط به آن محکوم خواهد گردید؛ زیرا نامزدی و وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌نماید. مسئله دیگر آن است که منظور از مرد اجنبی در ماده (۶۳۰)، بیگانه بودن از لحاظ رابطه زناشویی است و قید اجنبی، محارم را استثنا نمی‌کند، و لذا اگر مردی، همسر خویش را در حال زنا با یکی از محارمش همچون برادر، پدر، دایی و ... مشاهده نماید باز هم حکم مذکور در ماده (۶۳۰) مجری بوده و عمل ارتكابی از جانب مرد جرم تلقی نخواهد شد.

نکته دیگر آنکه فرد «دیوث»، یعنی کسی برای همسرش دلالی محبت می‌کند، از معافیت مندرج در ماده (۶۳۰) استفاده نخواهد کرد؛ (۳) چرا که محق دانستن این دسته از افراد در راستای معافیت از کیفر با توجه به ماده مورد بحث، می‌تواند به عنوان

از نظر نگارنده این سطور، مبنای حکم معافیت از مجازات در ماده مزبور، حکم قانون و دفع مشروع و به عبارتی، علل موجهه جرم می‌باشد و همان گونه که می‌دانیم، در موارد وجود علل موجهه جرم در ارتکاب یک فعل، عمل ارتكابی به هیچ وجه جرم محسوب نمی‌گردد تا در خور کیفر و مجازات باشد و به عبارتی دیگر، با توجه به این که عمل ارتكابی در حین وقوع، مباح بوده لذا عنوان مجرمانه‌ای نیز به آن تعلق نمی‌گیرد و وجود همین امر است که وجه تمایز، میان عوامل رافع مسئولیت کیفری و علل موجهه جرم محسوب می‌گردد و با توجه به این مراتب، در صورتی که فردی در جهت قتل یا ضرب و جرح همسر و مرد اجنبی از معافیت ثالثی بهره‌مند گردد، نظر به این که اصل عمل ارتكابی از جانب شوهر جرم تلقی نمی‌گردد، لذا معاون وی نیز با توجه به پذیرفته شدن تئوری استعاره‌ای بودن جرم معاونت در حقوق ایران، غیر قابل تعقیب و مجازات

موارد و طی به شبهه».

از نظر ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی، تنها تحقق همین امر است که باعث جاری شدن جواز قتل یا ضرب و جرح می‌گردد و لذا تنها صدق عنوان زنا بر عمل ارتكابی و مشاهده آن از جانب شوهر است که باعث اباحه فعل ارتكابی از جانب شوهر می‌گردد و در سایر مواردی که بر عمل انجام شده از جانب همسر و مرد اجنبی عنوان زنا صادق نباشد؛ قتل آن دو خالی از وجه بوده و مستوجب کیفر و مجازات است؛ در حالی که، به نظرمی‌رسد استعمال واژه زنا در ماده مورد بحث و منحصر نمودن مشاهده آن توسط مرد، نتواند چندان با واقعیت منطبق و همراه باشد زیرا به عنوان مثال، مردی که همسر خویش را لخت و عریان در آغوش مردی دیگر مشاهده می‌کند دیگر در صدد کشف این امر که آیا آنها در حال زنا هستند یا تفخیز یا... بر نخواهد آمد؛ چرا که تحقیق این امر در چنین شرایطی برای وی میسر نخواهد بود و لذا به نظرمی‌رسد که مقنن سال ۱۳۵۲، در این رابطه بیشتر جانب احتیاط را مراعات کرده بود؛ چون در ماده (۱۷۹) قانون مجازات عمومی به گونه‌ای زیرکانه عنوان می‌داشت:

«هرگاه شوهر، زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش و یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل ... شود، معاف از مجازات است...»

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، مقنن در ماده مذکور از واژه «فراش» یا «در حالی که به منزله وجود در یک فراش» جهت انشای ماده استفاده کرده بود، و همین امر سبب می‌گردید در مواردی که عمل در حال وقوع بر مرد مشتبه می‌گردید و نمی‌دانست که آیا همسرش و مرد اجنبی در حال زنا هستند یا خیر، ولی مرتکب قتل یا ضرب و جرح آنها

می‌گردید، باز هم عمل وی مشمول ماده (۱۷۹) قانون مجازات عمومی قرار می‌گرفت.

در هر حال، در رابطه با ماده (۶۳۰) نیز به نظر نگارنده باید قایل به تفکیک شویم، بدین صورت که، در مواردی که امر واقعاً بر مرد مشتبه گردیده و نسبت به عمل در حال وقوع دچار شبهه و تردید شده و به گمان خود عمل در حال وقوع را زنا تلقی کرده و به دنبال آن مرتکب قتل یا ضرب و جرح گردیده، نتوان بر فعل ارتكابی از جانب وی، عنوان مجرمانه جاری نمود؛ زیرا امر و اصل موضوع در حین ارتكاب قتل یا ضرب و جرح بر مرد مشتبه گردیده و به واسطه بروز این اشتباه بوده که مرتکب قتل یا ضرب و جرح گردیده و لذا به نظرمی‌رسد که در چنین مواردی باید نسبت به واژه زنا در ماده (۶۳۰) ق.م.ا، به دیده اغماض نگریست و حکم آن را مشتمل بر چنین مواردی نیز دانست، هر چند که پذیرفتن این نظر، مخالف با منطوق و ظاهر ماده بوده و

همسر خویش را به واسطه حکم قانون در قبال خویش مه‌دورالدم فرض نموده، لذا عمل وی به منزله خطای شبیه عمد بوده و قابل قصاص نخواهد بود.

اما در فرض دیگر، در صورتی که مرد علم و یقین قطعی مبنی بر عدم ارتكاب زنا از سوی همسر خویش و مرد اجنبی داشته باشد، آنچه که در حال وقوع است از صور دیگر روابط نامشروع می‌باشد، در این صورت حق ارتكاب قتل و ضرب و جرح را نخواهد داشت و در صورت ارتكاب، قابل تعقیب و مجازات خواهد بود؛ چرا که قانونگذار اعمال این حق را تنها نسبت به موارد ارتكاب زنا جایز دانسته و حکم قانون سایر موارد را در بر نمی‌گیرد.

ایراد دیگری که حامیان برابری حقوق زن و مرد در فرانسه نسبت به ماده (۳۲۴) قانون جزای این کشور وارد آوردند و در نگاه اول قابل ایراد به ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی نیز می‌نماید، اختصاص حق قتل و ضرب و جرح از جانب مقنن به مردان می‌باشد، این

### در صورتی که شوهر با شرکت ثالثی مبادرت به قتل همسر و مرد اجنبی نماید تنها فعل شوهر است که مجاز تلقی شده و جرم محسوب نمی‌گردد و شریک در قتل یا ضرب و جرح به عنوان مباشر مستقل، عملش جرم تلقی شده و قابل تعقیب و مجازات است

دسته در اعتراض به ماده (۳۲۴) قانون جزای فرانسه، به انحصار معافیت مردان از مجازات در صورت ارتكاب قتل در موارد بحث اتکا کرده و با توجه به آن خواهان اعطای چنین حق متقابلی نیز برای زنان شدند، تا آنها نیز محق باشند در صورتی که شوهر قانونی خود را در حال زنا با زنی اجنبیه مشاهده نمایند، آنها را به قتل برسانند، که در هر حال این ایراد با

از طرفی نیز مخالف با اصل تفسیر در محدوده نص در موارد استثنا می‌باشد. هر چند که باید توجه داشت که در چنین مواردی که اصل و موضوع واقعه بر مرد مشتبه گردیده و عمل در حال وقوع را زنا فرض کرده، نمی‌توان حکم قصاص را بر وی بار کرد، بلکه چون وی به واسطه اشتباه در مورد موضوع و اصل امر مرتکب قتل گردیده و مرد اجنبی و

اعضای هیأت منصفه کشور فرانسه تاخاندازه‌ای رفع گردید تا این که سرانجام، این ماده از قانون در ۱۱ ژوئیه سال ۱۹۷۵ م. به زرادخانه کیفری فرانسه فرستاده شد و برای همیشه از قانون جزای این کشور محو گردید. در هر حال به نظر می‌رسد که وارد نمودن چنین ایرادی بر ماده (۶۳۰) قانون مجازات اسلامی نتواند چندان دارای وجهه و ملاک شرعی و قانونی باشد؛ زیرا همانطور که می‌دانیم در فقه امامیه و قوانین کشور ما بر خلاف بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، سیستم تعدد زوجات برای مردان پذیرفته شده و لذا یک مرد با توجه به قانون می‌تواند دارای حداکثر چهار زوجة دائمی و بی‌نهایت زوجة منقطعه باشد و با توجه به این امر، وارد نمودن این ایراد بر ماده (۶۳۰) و درخواست چنین حقی برای زنان نمی‌تواند با واقعیت منطبق و همگام باشد؛ چرا که، در بسیاری از موارد ممکن است مردی که دارای زوجة منقطعه یا دائمه می‌باشد و همسر دیگر وی

دلیل نبوده و به دلایل مذکور در فوق است که قانونگذار از اعطای چنین حقی به زنان خودداری کرده است؛ از طرفی دیگر، به لحاظ فقهی نیز، حکم مذکور تنها شامل مردان شده و زنان را در بر نمی‌گیرد، چرا که در روایت آمده: «روی انه لو وجد رجلاً یزنی بأمرأته فله قتلها» که روایت مرسلی است که شهید اول در کتاب دروس خویش ذکر نموده و فقهای که بعد از شهید اول به نقل این روایت و روایات دیگر پرداخته‌اند نیز اشاره‌ای به استحقاق زنان در این رابطه نکرده‌اند.

#### ه: مسائل:

اولین مسئله قابل طرح در رابطه با موضوع مورد بحث آن است که، همان‌طور که فقها گفته‌اند، مرد در صورت قتل همسر و مرد اجنبی مرتکب گناهی نگردیده ولی بنا بر حکم ظاهر باید قصاص گردد، مگر این که وقوع زنا را در حین قتل به اثبات برساند؛ حال این سؤال مطرح می‌گردد که با توجه به این امر که اثبات زنا تنها به دو طریق شهادت و اقرار امکان‌پذیر

نمی‌باشد، مگر این که زناهی همسر و مرد اجنبی توسط شهودی گواهی گردد؛ در چنین مواردی قاضی باید به علم خود رجوع نموده و در صورتی که از سایر طرق زنا اثبات نگردید، از طرق علمی با ارجاع امر به پزشک قانونی مبادرت به کشف حقیقت نماید؛ چرا که پزشک قانونی می‌تواند با معاینه طرفین و جستجوی آثار مجامعت، قاضی را در جهت وصول به حقیقت یاری دهد.

مسئله دیگری که در رابطه با این میبحث به نظر می‌رسد آن است که همان‌طور که می‌دانیم، طلاق رجعی قبل از سپری شدن عده، رابطه زوجیت را قطع نکرده و زن همچنان زوجة مرد تلقی می‌گردد، حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا در صورتی که مردی پس از طلاق رجعی و قبل از سپری شده ایام عده بر حسب اتفاق همسر خویش را در حال زنا با مردی اجنبی مشاهده نماید، آیا باز هم حق ارتکاب قتل یا ضرب و جرح را خواهد داشت یا خیر؟

نظر نگارنده در پاسخ به این سؤال مثبت می‌باشد؛ زیرا قانونگذار در ماده (۶۳۰) ق.م.ا، به قتل همسر اشاره دارد و صدق عنوان همسر بر مطلقه رجعیه در دوران عده نیز صادق است و علقه زوجیت در این دوران همچنان به قوت و اعتبار خویش باقی است و تنها پایان یافتن دوران عده است که باعث قطع علقه زوجیت زن و مرد می‌گردد و در هر حال، قتل همسر در دوران عده توسط مرد به واسطه مشاهده ارتکاب زنا نمی‌تواند خالی از وجه باشد و لذا مرد در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح همسر مطلقه خویش مرتکب جرمی نگردیده و قابل مجازات نخواهد بود.

سومین مسئله در رابطه با موضوع مورد بحث آن است که، اگر اکراه زن به زنا، به طریقی غیر از توسل به عنف و زور صورت

### در صورتی که مرد علم و یقین قطعی مبنی بر عدم ارتکاب زنا از سوی همسر خویش و مرد اجنبی داشته باشد، آنچه که در حال وقوع است از صور دیگر روابط نامشروع می‌باشد، در این صورت حق ارتکاب قتل و ضرب و جرح را نخواهد داشت و در صورت ارتکاب، قابل تعقیب و مجازات خواهد بود

می‌باشد، مرد چگونه می‌تواند ارتکاب زنا را به اثبات رساند؟

پاسخ به این سؤال در قانون مطرح نگردیده؛ ولی، به نظر می‌رسد با توجه به این که اولاً؛ اقرار به واسطه کشته شدن زانی و زانیه جهت اثبات زنا منتفی است و ثانیاً؛ وجود شهود نیز در هنگام قتل علی‌الاصول امکان‌پذیر

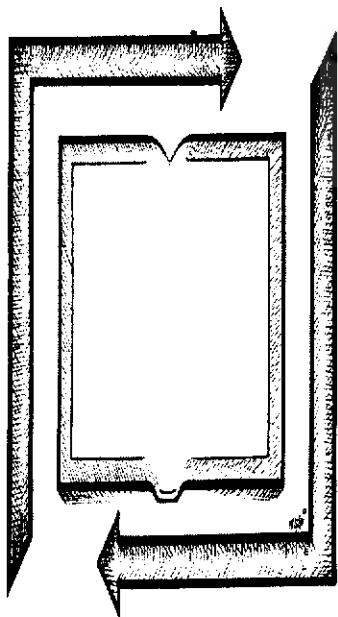
آنها را در حال جماع با یکدیگر مشاهده می‌نماید، بدون دلیل موجه مرتکب قتل یا ضرب و جرح آنها گردد، که هیچ گناهی را مرتکب نگردیده‌اند و در حال انجام عمل مشروعی بوده‌اند که هیچگونه ممنوعیتی را در بر نداشته و لذا اتخاذ سیاست کیفری موجود در ماده (۶۳۰) از جانب مقنن، بدون انگیزه و

**صدق عنوان همسر بر مطلقه رجبیه در دوران عده نیز صادق است و علقه زوجیت در این دوران همچنان به قوت و اعتبار خویش باقی است و تنها پایان یافتن دوران عده است که باعث قطع علقه (زوجیت زن و مرد می‌گردد و در هر حال، قتل همسر در دوران عده توسط مرد به واسطه مشاهده ارتکاب زنا نمی‌تواند فالی از وجه باشد و لذا مرد در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح همسر مطلقه خویش مرتکب جرمی نگردیده و قابل مجازات نخواهد بود**

مهدورالدم فرض نموده و به این لحاظ مرتکب قتل وی گردیده است؛ لذا وفق تبصره "۲" ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی، می‌توان قتل ارتكابی از جانب وی را به منزله خطای شبهه عمد محسوب نمود و از این لحاظ شوهر را به پرداخت دیه قتل به اولیای دم مرد محکوم نمود.

**پی نوشت‌ها:**

- ۱- ر.ک. به: عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، ص ۳۳۷.
- ۲- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۲۸، ص ۴۹۱.
- ۳- کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵)، ص ۶۸.
- ۴- شهید اول، لمعه دمشقیه، ترجمه علی شیروانی، ج ۲، ص ۲۲۱.



دادگاه ثابت شود و بعدمعلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطای شبهه عمد است... عمل ارتكابی از ناحیه شوهر به منزله خطای شبهه عمد بوده و شوهر در قبال قتل همسر خویش که واقعاً مکره بوده، باید مبادرت به پرداخت دیه به اولیای دم وی نماید.

آخرین مسئله در رابطه با موضوع مورد بحث آن است که، در صورتی که زنی شوهردار با اغفال مردی خود را بدون شوهر و خالی از موانع نکاح جلوه دهد و مرد مزبور نیز با اعتماد به گفته وی، مبادرت به انعقاد نکاح با وی نماید و سپس در حالی که با زن مذکور در حال جماع می‌باشد، همسر واقعی و ابتدایی زن نیز از راه برسد و با مشاهده صحنه واقعه، مبادرت به قتل آنان نماید، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا قتل مردی که در حال جماع با همسروی بوده، مباح بوده یا این که جرم تلقی شده و قابل تعقیب و مجازات است؟

در پاسخ به این مسئله باید توجه داشت که، عمل ارتكابی از جانب مرد اجنبی به هیچ وجه زنا تلقی نشده، بلکه وطنی به شبهه بوده و عمل تنها از ناحیه زن، زنا محسوب می‌گردد و لذا با توجه به این امر، همان طور که قبلاً نیز استدلال گردید، نظر به این که حکم قانون در جهت قتل همسر و مرد اجنبی موجب اباحه قتل و در نتیجه مهدورالدم شدن زن و مرد در حال زنا در قبال شوهر می‌گردد، در این مورد نیز با توجه به این که شوهر، مرد اجنبی را

گیرد و به عبارتی، در اکراه زن، مرد اجنبی به زور و عنف متوسل نشده باشد بلکه از طریق توسل به فریب و غیره نظر زن را برای همخوابگی جلب نماید و در همین حین شوهر زن نیز از راه برسد و همسر خویش را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده نماید و مبادرت به قتل نماید، این مسئله مطرح می‌گردد که با توجه به این امر که زن واقعاً مکره بوده ولی مرد، وی را تمکین یافته فرض نموده لذا قتل زن فاقد وجاهت شرعی و قانونی می‌باشد؛ اما این که آیا مرد مستوجب قصاص نیز خواهد بود یا خیر، ذیلاً به پاسخ آن می‌پردازیم:

در پاسخ به مسئله فوق، نظر نگارنده این است که، با توجه به این امر که صدور جواز قتل و ضرب و جرح از جانب قانونگذار، نسبت به زن و مرد زانی سبب این امر می‌گردد که آنها از نظر قانون، در قبال شوهر، مهدورالدم گردیده و جواز مزبور سبب اباحه قتل آنها می‌گردد؛ لذا، ارتکاب قتل از جانب شوهر با توجه به این امر که زن و مرد زانی از نظر قانون در قبال شوهر مهدورالدم می‌باشند، جرم تلقی نشده و قابل تعقیب و مجازات نیز نمی‌باشند؛ حال، با عنایت به نکته مزبور می‌توان دریافت که در مسئله مورد بحث نیز، با توجه به این امر که مرد در حین مشاهده واقعه به ظن خویش همسر خود را در قبال مرد اجنبی تمکین یافته پنداشته؛ لذا با اعتقاد به مهدورالدم بودن آنان، مبادرت به قتل آنها نموده است که ارتکاب چنین قتلی نسبت به زوجه اگرچه فاقد وجاهت قانونی است؛ ولی شوهر را مستوجب مجازات قصاص نفس نمی‌نماید، بلکه با توجه به تبصره "۲" ماده (۲۹۵) قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد:

«در صورتی که شخصی، کسی را به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر